

شش

شش

درباره‌هایند
وایت

تاریخ چیست؟

سال ۱۹۲۸ میلاد شد. مدرک لیسانس‌ای را از دانشگاه وایت استیت و مدرک دکتری را از ۱۹۵۴ در دانشگاه میشیگان دریافت کرد. وایت که نگاهی روایت‌پور به تاریخ دارد، ریش و استاد برنامۀ مطالعات تاریخی بود و در دانشگاه‌های جاستر، کالیفرنیا و ولسلی تدریس کرده و اکنون استاد بازنشسته است. حیات فکری وایت مراحل گوناگونی از علایق روشنفکری را پشت‌سر گذاشته است. در میان این علایق می‌توان به روایت تاریخی اشاره کرد که می‌شک متمرکز بر ایدۀ ایده وایت برای نین‌پژوهی است؛ این ایده در آثاری چون «فراتاریخ: نگارۀ تاریخی در اروپای سده نوزدهم» (۱۹۷۳)، «مجازهای گفتمان: مقالاتی درباره نقد فرهنگی» (۱۹۷۸)، «تاریخ فرم: گفتارهای روایتی و بازنمایی‌های تاریخی» (۱۹۸۷) و توضیح داده شده است. کتاب‌های او و دوم به بحث روایت تاریخی و گفتمان و مجازهای ادبی می‌پردازد و باسوم به مسائل بازنمایی تاریخی و گفتمان روایتی، ازبیررو، بسیاری جایگاه نظری وایت را در گروۀ خوانندگان و فیلسوفان قدیمی‌تر و همچنین منتقدان معاصر مثل نورتروپ فرای و کنت بروک می‌داند. یکی از ویژگی‌های کلیدی فلسفۀ تاریخ‌نگاری وایت انگار وجود هر نوع ارتباط ضروری بین روایت تاریخی و گذشته‌ای است که آن روایت در پی بازنمایی آن است. اگرچه خود گذشته به اندازه کافی واقعی است، اما فاش‌شدن دربارۀ روایی استرتیب سبب ذاتی آن نیست در انتظار شناسایی آن. در سده بیستم، بلکه به وسیله تاریخ‌دانان به آن احیام شد؛ این‌ها تاریخ‌نگاران در ساخت روایت‌هایشان، به معزای کاربرد زبانی و روایی فرهنگ خود محدودند و گذشته را در تناسب با با موقعیت ایدئولوژیک خود طرح‌ریزی می‌کنند.

در معرفی فلسفۀ وایت باید گفت که او از جایگاه زبان به تاریخ نگاه می‌کند و تاکید دارد، واقعیت تاریخی همیشه با روایت‌های تاریخ‌دانان ساخته می‌شود. این روایت، دانش تاریخی نمی‌تواند صرفاً درک واقعیت خارج از حقیقت گذشته باشد. وایت به دلیل محصول گفتارهای تاریخ‌نگاران است. آثار وایت با تاکید بر تضادهای دوتایی وانمود می‌کند، قصد سازمان‌دهی واقعیت به‌شیوای منطقی و عینی دارد، به‌عنوان مثال در نظر تاریخ تصاد سستی واقعیت تاریخی و تضاد عینی آشاده است. در همین راستا آثار وایت را می‌توان در محل تقاطع تاریخ‌نگاری و نظریۀ ایده دید و به سایر مهم نگاه او بر این دو حوزه اشاره کرد. او منتقد دیدگاه تاریخ‌نگاری سنتی و رویکرد ایدئالیزیری تاریخ کتب، دیدگاهی که بر تضادهای دوتایی عمل نمی-د، ذهنی-صدق- واقعیت- داستان‌گویی است. مشاهده عینی گذشته می‌تواند حقیقت تاریخی را آشکار کند، با این متعقدات تاریخ‌نگاری سنتی یادی دلخواهی و تنظیم زیبا به گذشته‌ای تحمیل می‌کند که در ذات خود عموماً با نظریۀ است، اما او ترجیح می‌دهد که گذشته کشودرماند را شـود، تا بتوان به گشودگی مشابهی برای آینده نیز دلگرم بود و به‌بشرتی را که باید افراد بدان امیدوار باشند. امکان‌پذیر بداند ساخت، ازاین‌رو، تاریخ برافلاک نگار تاریخ‌نگاران سنتی

واقعیت تاریخ‌نگاران تاریخ‌دان واقعیت را در پیرون کشف نمی‌کنند، بلکه حقیقت‌ها به‌عنوان روایت‌ها و مجازهای می‌سازند، بنابراین واقعیت‌ها و ایده‌های وایت دربارهٔ دربارهٔ گفتمان تاریخی نقطهٔ مقابل دیدگاه‌های واقع‌گرایانه تاریخی به قلمرو واقعیت تبدیل دارند، اما واقعیت‌ها و تصاویر گفتار تاریخی است. اگرچه او واقعیت رویدادهای گذشته را انکار نمی‌کند، معتقد است هر اظهاری درباره واقعیت‌ها در روایت‌های آن رویداد ساخته شده است. از همین منظر است که وایت هم‌نرسین بخشی نظریه‌ای را مطرح می‌کند، اینکه گذشته مستقل از درونمای تاریخی نیست و وجود آن به‌واسطهٔ بازنمایی تاریخی با متون تاریخی خودشان فرارودندگی است. این به معنا می‌باشد روایت‌های تاریخی بخشی از تاریخ‌اند، چراکه رویدادهای گذشته نیز به‌این‌تولید یا واقعیت‌یابی شوند. اوایی،اساس، وایت معتقد است تاریخ باید به زبان و به‌ویژه به روایت‌های تاریخی و سته‌های نوشتار تاریخی، از درونمای که برای روایت گفتار تاریخی‌ای استفاده می‌شود. و دیگر جنبه‌های تاریخی و فلسفی تاریخ‌نگاری توجه کند. به یانی دیگر، تاریخ باید فراتاریخ (metahistory) هم باشد. یعنی، در این فرض‌ها اگر باید باشد که آن‌ها برای معنابخشی به گذشته استفاده می‌کند.

به‌این‌ترتیب باید در سال ۱۹۷۴ از نظر او برای سنجش سنتی تاریخ‌نگاری به صدا درآورد، او توضیح داد که چگونه تاریخ‌دانان، به‌بخان از فرم روایتی را می‌گزینند که از طریق آن شرح‌شان از رویدادهای گذشته در یک نقشه ازتاریخ‌نگاری‌شده جمع می‌شود. یانی دیگر، تاریخ باید فراتاریخ (metahistory) هم باشد. یعنی، در این فرض‌ها اگر باید باشد که آن‌ها برای معنابخشی به گذشته استفاده می‌کند.

به‌این‌ترتیب باید در سال ۱۹۷۴ از نظر او برای سنجش سنتی تاریخ‌نگاری به صدا درآورد، او توضیح داد که چگونه تاریخ‌دانان، به‌بخان از فرم روایتی را می‌گزینند که از طریق آن شرح‌شان از رویدادهای گذشته در یک نقشه ازتاریخ‌نگاری‌شده جمع می‌شود. یانی دیگر، تاریخ باید فراتاریخ (metahistory) هم باشد. یعنی، در این فرض‌ها اگر باید باشد که آن‌ها برای معنابخشی به گذشته استفاده می‌کند.

به‌این‌ترتیب باید در سال ۱۹۷۴ از نظر او برای سنجش سنتی تاریخ‌نگاری به صدا درآورد، او توضیح داد که چگونه تاریخ‌دانان، به‌بخان از فرم روایتی را می‌گزینند که از طریق آن شرح‌شان از رویدادهای گذشته در یک نقشه ازتاریخ‌نگاری‌شده جمع می‌شود. یانی دیگر، تاریخ باید فراتاریخ (metahistory) هم باشد. یعنی، در این فرض‌ها اگر باید باشد که آن‌ها برای معنابخشی به گذشته استفاده می‌کند.

شش

شش

هاشم آقاجری؛

ترسیم تاریخ آگاهی تاریخی

ابند ابری اینکه موقعیت هایدن وایت را در منظومه‌ای کلی ببینیم، می‌توان از آن چیزی شروع کرد که خود او در حاشی حقبت یعنی تقابل‌های دوطبقی که خود او به‌تحوی در این تقابل قرار گرفته و می‌توان از یک منظر به‌چالش‌کشی تاریخ‌نگاری را برمیسانای نوعی تقابل میان دو مبنای معرفت‌شناختی-روش‌شناختی دریافت.

درحال‌حاضر اساسا سه پارادایم معرفت‌شناختی-روش‌شناختی میان مکاتب گوناگون داریم که می‌تواند به مثابه نوعی نمونه ازمنه‌ای تلقی شود. در واقعیت بیرونی ترکیبی از این رهیافت‌ها دیده می‌شود. معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در میان رابطه سوزۀ ششما و آموزۀ دورهٔ شناسایی را سه رهیافت کلی خارج نیستند:

۱. رهیافت پوزیتیویستی که به‌خصوصی با رشد علوم طبیعی از قرن ۱۷ و ۱۸ به‌تدریج تبدیل به یک پارادایم مسلط شد و تا امروز هم کموبیش ادامه دارد. در این رهیافت معرفت مبتنی است بر نظریهٔ آینه‌ای و نظریهٔ صدق تطابقی؛ به‌این‌معنی که هر واقعیت خارجی در ذهن سوزۀ شناسا منکس و شناخت تولید می‌شود. شناخت معرفتی است که تطابق میان ادراک و ذهن سوزۀ با واقعیت ایزه را مشخص می‌کند.

۲. در مقابل این مبنای معرفت‌شناختی-روش‌شناختی، دیدگاهی داریم که تمام بار را روی سوزۀ می‌اندازد، معرفت عبارت است از فرافکنی سوزۀ در ایزه. سوزۀ شناسایی محور است و شناخت حاصل فرافکنی آنچه در سوزۀ به صور مختلف ازجمله صورت زبانی می‌آید، یعنی خیالی و دهر است. در شناخت ازجمله به‌این‌صورت، به‌طوریکه سوزۀ معرفت چیزی نیست جز برون‌داده‌های درون ذهن سوزۀ. صورت بارز این مسئله در ایدهٔالیزم بارکلی کشیش ایدئالیست انگلیسی، می‌شود و در ایدهٔالیزم دیگر در فرانت سایدمن پس از جنبش پاساستاگرایی امپریور وایت و کتاب «فراتاریخ» و ادین ال پاساستاگرایی مهم می‌گردد؛ نمونه‌ی مبتنی بر نوعی تجربهٔ ادبی و آموزه رابیندونی.

۳. لاسر-د پارادایم سوم پارادایم دیالکتیکی است که معرفت را سنتز دیالکتیکی سوزۀ و ایزه می‌داند و ضمن اینکه پایای ایزه معرفت در واقعیت بیرون ذهن قابل استناد، ا قق آن را گذشته‌نگ می‌دارد و شناخت از زبانی و درعین‌حال خوداندیشی و خودفاند تلقی می‌کند و با دو پارادایم قبلی مزبندی دارد.

در تاریخ‌نگاری می‌توانیم رانکه را نمایندهٔ پارادایم اول بدانیم و وایت و هرورن او مثل جکینز، مانسترو، اکت اسمیت و… دلیل پارادایم دوم قرار می‌گیرند. ای ج کار و کتاب مشهور «تاریخ چیست؟» او ذیل پارادایم سوم قرار دارد. همچنین جورج پوتربولیان ازجمله تاریخ‌نگاران است که معرفت تاریخی را به کلاما سوبژکتیو می‌بیند و به کلاما اوبژکتیو براساس این سه پارادایم روش‌شناختی می‌توان به سبکت تاریخ‌نگاری دراز هم متفک کرد؛ ۱. الگوی واسازۀ گرایانه که در تاریخ و واسازی را می‌کند. تاریخ چیزی نیست جز کشف گذشته و واسازی دوسره آن در ذهن و واسازی هم‌و، کوکو و دریدا درست. دیدگاه رانکه به آن قائل بود و واسازگرایانی بود که فکر می‌کرد ما اگرچه به دلیل وفادار باشیم و دقیقاً در آرشوفا مستحسوجو کنیم وایت گذشته را به نحوی دقیق آن‌چنان‌که بوده است واسازی کنیم؛ ۲. در مقابل تاریخ سازگرایانه قرار دارند. ایشان رابطه تاریخ و موقعیت ماضی را قطع می‌کنند و وادشتن تاریخ را رد می‌کنند، به فرافروند ذهنی و زبانی و سوبژکتیو تاریخ‌نگار؛ ۳. در میانه آن دو، معرفت تاریخ‌نگارانه سازگرایانه (constructivism) وجود دارد، که در مثل رهیافت اول تاریخ را کلاما مسایک می‌گشود می‌توان به مثل رهیافت‌ها و تصاویر گفتار تاریخی است. اگرچه او واقعیت رویدادهای گذشته را انکار نمی‌کند، معتقد است هر اظهاری درباره واقعیت‌ها در روایت‌های آن رویداد ساخته شده است.

از همین منظر است که وایت هم‌نرسین بخشی نظریه‌ای را مطرح می‌کند، اینکه گذشته مستقل از درونمای تاریخی نیست و وجود آن به‌واسطهٔ بازنمایی تاریخی با متون تاریخی خودشان فرارودندگی است. این به معنا می‌باشد روایت‌های تاریخی بخشی از تاریخ‌اند، چراکه رویدادهای گذشته نیز به‌این‌تولید یا واقعیت‌یابی شوند. اوایی،اساس، وایت معتقد است تاریخ باید به زبان و به‌ویژه به روایت‌های تاریخی و سته‌های نوشتار تاریخی، از درونمای که برای روایت گفتار تاریخی‌ای استفاده می‌شود. و دیگر جنبه‌های تاریخی و فلسفی تاریخ‌نگاری توجه کند. به یانی دیگر، تاریخ باید فراتاریخ (metahistory) هم باشد. یعنی، در این فرض‌ها اگر باید باشد که آن‌ها برای معنابخشی به گذشته استفاده می‌کند.

فرم وایت‌شناختی و تاریخ به‌عنوان معمول کلمه است که خود او «تاریخ» (استین) (proper history)، همان معنی چیزی که از قرن ۱۹ به بعد به‌طور معروف شده است، یعنی بحث وایت دربارهٔ تاریخ معاصر است و به همین دلیل می‌تواند کار تاریخ روایت‌سندسازی رویدادهاست؛ چون در فرم اول روایت وجود ندارد و فقط چندان مور واقع و اطلاعات است. در تاریخ است که روایت تاریخی در اینجا توافق واقعی فراتاریخ است. اصطلاح فراتاریخ در اینجا معنای وایت اصطلاحی فلسفی شناختی می‌باشد، چون اصطلاح فراتاریخ در ادبیات نظری تاریخ به معنی است، دراین‌مط، در فلسفۀ تاریخ سایدمن و فلسفۀ تاریخ مسیحی – در این موارد فراتاریخ کلاما مفهومی شناختی دارد. در حاشیایند، به‌طوریکه واقعیت و ایده تقابل می‌دارند، و به‌این‌ترتیب باید در سال ۱۹۷۴ از نظر او برای سنجش سنتی تاریخ‌نگاری به صدا درآورد، او توضیح داد که چگونه تاریخ‌دانان، به‌بخان از فرم روایتی را می‌گزینند که از طریق آن شرح‌شان از رویدادهای گذشته در یک نقشه ازتاریخ‌نگاری‌شده جمع می‌شود. یانی دیگر، تاریخ باید فراتاریخ (metahistory) هم باشد. یعنی، در این فرض‌ها اگر باید باشد که آن‌ها برای معنابخشی به گذشته استفاده می‌کند.

به‌این‌ترتیب باید در سال ۱۹۷۴ از نظر او برای سنجش سنتی تاریخ‌نگاری به صدا درآورد، او توضیح داد که چگونه تاریخ‌دانان، به‌بخان از فرم روایتی را می‌گزینند که از طریق آن شرح‌شان از رویدادهای گذشته در یک نقشه ازتاریخ‌نگاری‌شده جمع می‌شود. یانی دیگر، تاریخ باید فراتاریخ (metahistory) هم باشد. یعنی، در این فرض‌ها اگر باید باشد که آن‌ها برای معنابخشی به گذشته استفاده می‌کند.

به‌این‌ترتیب باید در سال ۱۹۷۴ از نظر او برای سنجش سنتی تاریخ‌نگاری به صدا درآورد، او توضیح داد که چگونه تاریخ‌دانان، به‌بخان از فرم روایتی را می‌گزینند که از طریق آن شرح‌شان از رویدادهای گذشته در یک نقشه ازتاریخ‌نگاری‌شده جمع می‌شود. یانی دیگر، تاریخ باید فراتاریخ (metahistory) هم باشد. یعنی، در این فرض‌ها اگر باید باشد که آن‌ها برای معنابخشی به گذشته استفاده می‌کند.

شش

شش

هاشم آقاجری؛ **حسین پاینده** و **حسینعلی نوذری** در نشست «بررسی آثار هایدن وایت»

سه روایت از یک تاریخ‌نگار

کتاب «فراتاریخ» وایت از جنبه‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و معرفت‌شناختی است که تطابق میان ادراک و ذهن سوزۀ با واقعیت ایزه را مشخص می‌کند.

نست به طور نوزدهم ارائه می‌کند، پس واقعیت بیرون نوزدهم را بیان نمی‌کند. در واقع وایت او نوعی بیان سازمان‌دهی در کتاب «فراتاریخ»، وایت چهار متفکر قرن نوزدهمی را بررسی می‌کند: میشله، راینه، توکویل، بوکهارت، چهار فیلسوف تاریخ قرن نوزدهمی، کلاما، نیچه، ماکس، کروچه. در کنار آن چهار متفکر از ادبی یا شخصیت‌های عهد، تارزی، حسانه، مان و، مکدی، منطابار را بیان می‌کند.

نست به طور نوزدهم ارائه می‌کند، پس واقعیت بیرون نوزدهم را بیان نمی‌کند. در واقع وایت او نوعی بیان سازمان‌دهی در کتاب «فراتاریخ»، وایت چهار متفکر قرن نوزدهمی را بررسی می‌کند: میشله، راینه، توکویل، بوکهارت، چهار فیلسوف تاریخ قرن نوزدهمی، کلاما، نیچه، ماکس، کروچه. در کنار آن چهار متفکر از ادبی یا شخصیت‌های عهد، تارزی، حسانه، مان و، مکدی، منطابار را بیان می‌کند.

نست به طور نوزدهم ارائه می‌کند، پس واقعیت بیرون نوزدهم را بیان نمی‌کند. در واقع وایت او نوعی بیان سازمان‌دهی در کتاب «فراتاریخ»، وایت چهار متفکر قرن نوزدهمی را بررسی می‌کند: میشله، راینه، توکویل، بوکهارت، چهار فیلسوف تاریخ قرن نوزدهمی، کلاما، نیچه، ماکس، کروچه. در کنار آن چهار متفکر از ادبی یا شخصیت‌های عهد، تارزی، حسانه، مان و، مکدی، منطابار را بیان می‌کند.

نست به طور نوزدهم ارائه می‌کند، پس واقعیت بیرون نوزدهم را بیان نمی‌کند. در واقع وایت او نوعی بیان سازمان‌دهی در کتاب «فراتاریخ»، وایت چهار متفکر قرن نوزدهمی را بررسی می‌کند: میشله، راینه، توکویل، بوکهارت، چهار فیلسوف تاریخ قرن نوزدهمی، کلاما، نیچه، ماکس، کروچه. در کنار آن چهار متفکر از ادبی یا شخصیت‌های عهد، تارزی، حسانه، مان و، مکدی، منطابار را بیان می‌کند.

نست به طور نوزدهم ارائه می‌کند، پس واقعیت بیرون نوزدهم را بیان نمی‌کند. در واقع وایت او نوعی بیان سازمان‌دهی در کتاب «فراتاریخ»، وایت چهار متفکر قرن نوزدهمی را بررسی می‌کند: میشله، راینه، توکویل، بوکهارت، چهار فیلسوف تاریخ قرن نوزدهمی، کلاما، نیچه، ماکس، کروچه. در کنار آن چهار متفکر از ادبی یا شخصیت‌های عهد، تارزی، حسانه، مان و، مکدی، منطابار را بیان می‌کند.

نست به طور نوزدهم ارائه می‌کند، پس واقعیت بیرون نوزدهم را بیان نمی‌کند. در واقع وایت او نوعی بیان سازمان‌دهی در کتاب «فراتاریخ»، وایت چهار متفکر قرن نوزدهمی را بررسی می‌کند: میشله، راینه، توکویل، بوکهارت، چهار فیلسوف تاریخ قرن نوزدهمی، کلاما، نیچه، ماکس، کروچه. در کنار آن چهار متفکر از ادبی یا شخصیت‌های عهد، تارزی، حسانه، مان و، مکدی، منطابار را بیان می‌کند.

هایدن وایت نظریه‌پردازانی است که آثارش نه فقط به حوزه مطالعات تاریخ، بلکه همچنین به حوزه مطالعات ادبی و مطالعات فرهنگی مربوط می‌شود. دیدگاه‌های او دربارهٔ متون پدیدگاری و تاریخ و این‌که کتاب‌های نوشته‌شده به قلم تاریخ‌نگاران را از نوعی روایت داستانی بیان‌مانند محسوب کرد، به تاریخ‌های جدید و اندیشه‌های و افکار از رشته تاریخ، در نظریه‌های سامندریستی دربارهٔ ادیان نیز گاردر وسیعی داشته باشد، چنان‌که این می‌توان نظریه «فراتاریخ» او را مصداق بارزی از رویکردهای میان‌رشته‌ای (بینابین تاریخ و نقد ادبی) دانست. وایت تفکری افراط‌دار را آشکار می‌کند و در این‌ها به‌طوریکه سوزۀ او را باید در اندیشه‌های طیف متنوعی از متفکران همچون کوکو، هگل، کوکو و دریدا درست. دیدگاه تاریخی وایت عبارت است از فرامیختن تاریخ‌نگاری با نظریه ادبی به‌عنوان فراتاریخ و علم واقعی می‌دانست، وایت تاریخی نباید نسبتی با ارزش‌گذاری داشته باشد. هر چه عنصر ارزش‌گذاری در ملاحظات تاریخ‌پژوهان ملحق شود، بلافاصله و تاگزیر معرفتی که آنان از گذشته تاریخی به دست می‌دهند، نسبی و اعتباری می‌شود.

وایت استدلال می‌کند تاریخ‌نگاران به حقیقت تاریخی دسترسی ندارند و هیچ مقدار روایتی تاریخ‌نگارانه نمی‌تواند بین دسترس‌ای را به دست مستقیم یا واسطه‌ایند کند، بلکه این حقیقت توسط آن رساخته می‌شود. به اعتقاد وایت، حقیقت تاریخی عبارت است از واقعیت تاریخی که می‌تواند به شکل روایی توصیف می‌کند و لسا همیشه مابین حقیقت واسطه‌ای دارد. تاریخ‌نگاری به این‌طور بشری مغلطه‌امیز ازجمله این‌هاست که وایت به «واقعۀ تاریخی» و «حقیقت تاریخی» عیب یکدیگر می‌زند. با خواندن کتاب «فراتاریخ» به وایت تاریخی می‌رسد و رویدادی تاریخی وقوف پیدا می‌کند که می‌تواند آن را بازتابد. اما در این‌ها پیش‌فرض معنابخشی صورت گرفته است. کلماتی است که همین سوزۀ به ایزه است که برحسب این می‌باشد، برحسب این دیدگاه، واقعیت امری پیشینی نیست که سوزۀ آن را به سادگی تقلایی می‌کند. وایت به این‌گونه است که بگویم سوزۀ یا معنای ضمیمی آن به واقعیت می‌باشد. او واقعیت را برمی‌دارد. ۱. معرفت تاریخی لزوماً ماهیتی گفتمانی ندارد. ۲. معرفت تاریخی حاصل می‌شود و اگر هیچ چیزی از شالوده‌های نوزدهمی و پوزیتیویسم عصر روشنگری مقابل هم قرار داشتند، در واقع تقابل قلم و خیال وجود ندارد. کوکو می‌تواند به همین دلیل قصل اول کتاب وایت که در حجم مقدمه‌ای به معنای بر سر کتاب است، «بوطیقای تاریخ» نام دارد. ۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۳۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۴۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۵۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۶۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۷۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۸۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۹۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۰۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۱۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۲۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۳۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۴۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۵۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۶۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۷۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۸۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۱۹۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۰۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۱۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۲۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۵. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۶. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۷. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۸. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۳۹. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۴۰. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۴۱. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۴۲. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۴۳. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۴۴. واقعیت تاریخی به معنی دل‌خواهی تاریخی نیست. ۲۴۵. واقعیت تاریخی